

مقدمه

تلاش برای یافتن وسایل و راههایی که موجب تحرک و شتاب در رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه گردد، اقتصاددانان و سایر دانشمندان را در مقیاسی وسیع و روز افزون به خود مشغول کرده است.

فقر گسترده، بیکاری زیاد و تبعات اقتصادی و اجتماعی آن، تبعیض و بی‌عدالتی و مسائل و مشکلات فراوان دیگر در این کشورها حاکی از آن است که هرگونه اقدامی در زمینه سیاست توسعه، منوط به یافتن ضوابط و راهکارهایی است که در شرایط محدود امکانات، قادر باشد بر این مصائب و معضلات فایز آید یعنی آنچنان راهکارهایی که با توجه به شرایط و ساخت هر منطقه تمامی منابع ملی و بین‌المللی را به طور مداوم و با موفقیت بسیج نموده و با بکارگیری تاکتیکی، به دور از هرگونه مناقشات ایدئولوژیکی برای ممالک در حال توسعه در حداقل مدت رفاه و رشدی محسوس تامین نماید.

در سالهای اخیر تلاشهای زیادی در جهت بهبود اوضاع و وضعیت اقتصادی و اجتماعی انسانها صورت گرفته و الگوهای بسیاری برای نیل به این اهداف ارائه گردیده است اما به لحاظ شرایط و امکانات موجود در این کشورها و در نظر گرفتن خصوصیات و ویژگیهای خاص آنان عملاً به رشد اقتصادی مطلوب و توسعه دلخواه منجر نشده است. مثلاً انواع سرمایه‌گذاری در این کشورها نتوانسته است از یکسو به علت خصوصیات محدود اقتصادی موجب گسترش ظرفیت و به موازات آن تمرکز فعل و انفعالات اقتصادی گردد و از سوی دیگر در اثر فقدان برنامه‌ریزی و عدم تناسب در برنامه‌های مختلف توسعه و مشکلات مختلف ساختاری و فرهنگی این سرمایه‌گذاری نتوانسته باعث بوجود آمدن فعل و انفعالاتی گردد که برای بکار انداختن و ایجاد رونق در مکانیسم بازار و تأثیر متقابل عوامل فزاینده شتابنده اقتصادی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است.

به علت همین عدم تناسب

استراتژیهای توسعه با خصوصیات و ویژگیهای این کشورها و مشکلات ساختاری و زیربنایی موجود نه تنها مشکل حل نشده بلکه موجبات رواج بیش از حد تبعیض و بی‌عدالتی در جوامع بشری را فراهم ساخته و فاصله بین فقیر و غنی را افزایش داده است به طوری که گروه کثیری از مردم کشورهای در حال توسعه هنوز در فقر و بیماری و گرسنگی و بیکاری غوطه ورنند.

یکی از مباحثی که ذهن جامعه‌شناسان، اقتصاددانان و دولتمردان را به خود مشغول نموده این مفهوم است که برای رفع این معضلات در جوامع و با خصوصیات خاص آنان چه باید کرد؟ یکی از راههای روشن و تجربه شده برای رفع و یا کاهش معضلات این کشورها استفاده از شیوه

تعاونی

تعاونیها

محور توسعه کشورهای جهان سوم

و توسعه روحیه (نقش تعاونیها در توسعه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی،

هشمکاری و مشارکت در بین اقتصادی کشورهای در حال توسعه)

و توسعه

روحیه

هشمکاری و

مشارکت در بین

مردم است.

به طور کلی کارشناسان

بخش تعاونی، تعاونیها را به دو

دلیل مناسب برای اجرای

برنامه‌های توسعه می‌دانند:

نخست آنکه موسسات تعاونی با تجمیع پس اندازهای اندک اعضا و حمایتهای مالی دولت و سرمایه‌گذاری و تولید و همچنین آموزش اعضا که منجر به ارتقاء بهره‌وری نیروی انسانی می‌شود، موجبات افزایش تولید، اشتغال و رشد اقتصادی جامعه را فراهم می‌آورند.

دوم آنکه به دلیل رویکردهای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی خاص تعاونیها که الهام گرفته از اصول و ارزشهای تعاون است و با ساختار کشورهای در حال توسعه هماهنگی و همخوانی بیشتری دارد، زمینه توسعه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و رفع تبعیض و بی‌عدالتی در جوامع فراهم می‌شود به گونه‌ای که در واقع بستر و زیرساخت و به عبارت دیگر شرایط لازم برای رشد اقتصادی مهیا می‌شود و این موارد نهایتاً جامعه را به سوی توسعه همه جانبه و پایدار رهنمون می‌سازد.

هدف این

مقاله تبیین

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

نقش و

● قسمت اول

اهمیت تعاون در فرایند توسعه و در ابعاد مختلف آن اعم از اجتماعی سیاسی، فرهنگی و اقتصادی با تأکید بر نقش تعاون در سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال با توجه به ساختار کشورهای جهان سوم است که پس از بیان کلی و مختصر

● احمد پویش* - حسین جمشیدی*

مفاهیم تعاون و توسعه و شرکتهای تعاونی و ویژگی خاص این شرکتهای که به عنوان واژگان راهگشا جهت درک بیشتر این مقاله می باشند به این مهم می پردازد، امید است که با تلاش و کوشش روز افزون تعاونگران عزیز شاهد رونق و شکوفایی اقتصادی که از ملزومات توسعه پایدار می باشد، باشیم.

تعاون و توسعه

قبل از آنکه به بررسی نقش تعاون در فرایند توسعه بپردازیم ابتدا لازمست بدانیم تعاون چیست. تعاونها بر چه اصولی استوارند، به چه شرکتهایی تعاونی گفته می شود،

اهداف بخش تعاون کدامند و ره آورد اقتصاد تعاونی چیست آنگاه به بررسی و تعریف فرایند توسعه بپردازیم و خصوصیات اصلی و مشترک جوامع در حال توسعه و یا کمتر توسعه یافته را بازگو نماییم و سپس نقش و اهمیت تعاون را در ابعاد مختلف توسعه این کشورها مورد بررسی قرار دهیم

تعریف تعاون

تعاون یعنی همکاری و همیاری عده ای از اشخاص حقیقی و یا حقوقی با یکدیگر در جهت رفع نیازمندیهای مشترک اعضا و یا رسیدن به هدفی خاص با تشکل در یک شرکت تعاونی و پذیرش اصول و مقررات آن که در واقع متضمن این معناست «یکی برای همه و همه برای یکی»

شرکت تعاونی

شرکتی است متشکل از اعضای دارای نیاز مشترک که انگیزه آنان صرفاً تجاری نیست و به افرادی تعلق دارد که از خدمات آن بهره می برند این شرکت بر پایه اصول تعاون و تفاهم متقابل تشکیل می شود که همیاری حرف اول را در آن می زند و تمام یا حداقل ۵۱ درصد سرمایه آن به وسیله اعضا در اختیار شرکت تعاونی قرار می گیرد و از لحاظ نوع فعالیت به سه دسته تولیدی، توزیعی و تولیدی و توزیعی تقسیم می گردد.

ویژگی شرکتهای تعاونی

* شرکت تعاونی قائم به ذات و متکی به اعضا است نه سرمایه
* هر عضو فقط و فقط دارای یک رای در مجامع می باشد (تعداد سهام در میزان رای اثری ندارد)
* تساوی کلیه اعضا در برخورداری از حقوق و منایف یکسان علی رغم تفاوت در میزان سهام
* برخوردار از مزایای معافیتهای مالیاتی در برخی انواع تعاونها
* سنخیت و همفکری عامل مشترک و پیشرفت کار
* جلوگیری از بهره کشی و استثمار افراد

* حذف واسطه های غیر ضروری در کسب و تجارت و رقابت با صاحبان مشاغل کاذب

اصول تعاون و شرکتهای تعاونی

تعاون بر اصول والایی همچون اعتقاد به عدالت و دموکراسی و احترام به آرا و عقاید اشخاص آموزش اعضا و تلاش برای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه استوار می باشد.

اهداف بخش تعاون

بخش تعاون که در اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان مکمل دو بخش دولتی و خصوصی شناخته شده در صورت عزم ملی برای باور فرهنگ تعاون می تواند در چرخه اقتصاد کشور اهداف زیر را دنبال نماید:

- ۱- ایجاد و تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور نیل به اشتغال کامل
- ۲- پیشگیری از تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص برای تحقق عدالت اجتماعی
- ۳- پیشگیری از انحصار، احتکار، تورم و اضرار به غیر
- ۴- توسعه و تعمیم فرهنگ مشارکت و تعاون در بین احاد مردم
- ۵- جلوگیری از کارفرمای مطلق شدن دولت
- ۶- قرارگرفتن مدیریت و سرمایه و منافع حاصله در اختیار نیروی کار و تشویق و بهره برداری مستقیم از حاصل کار

۷- قرار دادن وسایل کار در اختیار افراد قادر به کار ولی فاقد سرمایه و وسایل کار

ره آورد اقتصاد تعاونی

● تحقق عدالت اجتماعی با فراهم آوردن زمینه های رشد و توسعه بخش تعاونی همراه با عزم و اراده ملی
● جمع آوری سرمایه های کوچک مردم برای تبدیل به سرمایه های بزرگتر به شکل تعاونی و امکان یابی فعالیت مشترک
● مبارزه با گرانی و توزیع نامناسب که به تعاونیهای توزیع به شکل خرید انبوه و ارزاتر کالا و فروش به اعضا با قیمت تامین کننده هزینه ها امکان پذیر است.

● کاهش هزینه های تولید با همیاری و همکاری صمیمانه اعضا، صرفه جویی و بهره برداری صحیح از امکانات و منابع در تعاونیهای تولیدی

● ایجاد اشتغال در زمینه های متعدد با سرمایه های متناسب با انواع تولید و یا خدمات و در نتیجه کاهش نرخ بالای بیکاری در جامعه

● رقابت سالم و سازنده با بخش خصوصی در جهت تامین منافع مصرف کنندگان و مصالح عمومی برای جلوگیری از تورم بیشتر و اصلاح ساختار اقتصادی

توسعه و رشد اقتصادی

کلمه توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است. توسعه اگر چه دارای بعد کمی نیز می باشد و در پاره ای موارد حتی ممکن است مترادف با کلمه رشد تلقی شود اما در اصل دارای ابعاد کیفی است. در واقع توسعه دارای ابعاد چندگانه ای است که رشد فاقد تمامی آن ابعاد است به عنوان مثال منظور از رشد اقتصادی یک جامعه افزایش تولید آن جامعه است اما توسعه اقتصادی فرآیندی است که در آن یک سری تحولات و تغییرات بنیادی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه به وقوع می پیوندد. به این ترتیب می توان انتظار داشت که همراه با توسعه اقتصادی حتماً رشد اقتصادی حاصل گردد هر چند که با تاخیر زمانی حاصل می شود اما به هر حال رشد اقتصادی ممکن است منجر به توسعه

نگردد! توسعه به بار نیآورد.

پاسخ به این سؤال که توسعه چیست به همان اندازه مشکل است که پاسخ به سؤال زندگی خوب چیست؟ زیرا همانگونه که در قسمت بالا اشاره گردید توسعه هم دارای ابعاد کیفی، علاوه بر بعد کمی، می باشد.

اما اگر در تعاریف به مشترکات توجه نماییم، به تعریف نسبتاً واحدی خواهیم رسید. براین اساس تعریف توسعه به معنای عام آن عبارتست از فرآیندی که در آن رفاه جامعه در کل به طور همه جانبه و پیوسته و مداوم افزایش می یابد. بدین ترتیب می بینیم که توسعه پدیده ای پویا است که مختص به جامعه و یا جوامعی خاص نیست. اما رشد اقتصادی عبارتست از تغییرات آرام و تدریجی در شرایط اقتصادی در بلندمدت است که در نتیجه افزایش تدریجی در نرخ پس اندازها و سرمایه گذاریها و نتیجتاً تولید ناخالص ملی بوقوع می پیوندد.

یک اقتصاد ممکن است رشد کند بدون آن که به دلیل فقر عمومی، بیکاری فراوان و نابرابریهای اجتماعی، توسعه یابد و یا اینکه یک اقتصاد ممکن است بدون تکنولوژی مدرن تولید و تغییرات زیربنایی و فقر که امکان روند صعودی خود را طی کند همچنین در عین حال ممکن است که توسعه اقتصادی همیشه همراه با رشد اقتصادی باشد اما تجسم این نکته که اقتصاد بدون تغییرات زیربنایی و کیفی باشد و بدون آنکه تغییری کمی در تولید و درآمد سرانه آن به وجود آمده باشد دور از ذهن به نظر می رسد.

براساس همین واقعیتها و اختلاف بین رشد و توسعه است که کشورهای جهان سوم علیرغم بالا بودن تولید ناخالص ملی به دلیل برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز و سایر ذخایر معدنی و طبیعی، جزء کشورهای در حال توسعه به حساب می آیند.

کشورهای توسعه نیافته و کشورهای در حال توسعه

کشور توسعه نیافته کشوری است که هیچ قابلیت و علامت توسعه یافتگی در آن به چشم نمی خورد. در حالی که کشور

در حال توسعه کشوری است که ظرفیت بالقوه برای توسعه وجود دارد ولی یا از آن استفاده نشده و یا اینکه به صورت ناقص از آن استفاده شده است. با تعریف فوق می توان ملاحظه کرد که اکثر کشورهای نظیر ایران، هند، پاکستان و به طور کلی کشورهایی که شاخص رفاه در آنها پایین است به علت داشتن پتانسیلهای زیاد از جمله ذخایر عظیم نفتی، جمعیت جوان، ثروتهای عظیم خدادادی و منابع معدنی فراوان ظرفیت بالقوه برای توسعه یافتگی را دارا می باشند.

خصوصیات اصلی و مشترک کشورهای در حال توسعه

الف - سطح پایین زندگی:

یکی از خصوصیات مشترک کشورهای در حال توسعه، در مقایسه با کشورهای توسعه نیافته سطح پایین زندگی در آنهاست که عموماً به شکل سطح پایین درآمد سرانه و در بسیاری موارد به صورت فقرگسترده و مطلق خود را نشان می دهد که نه تنها مربوط به سطح پایین درآمد سرانه نیست بلکه توزیع بد درآمد نیز عامل موثری در تشدید این پدیده است. طبق آمارهای موجود حدود ۲۰ درصد مردم آمریکای لاتین بیش از ۳۷ درصد مردم آسیا و حدود ۳۵ درصد مردم آفریقا زیر خط مطلق فقر قرار دارند.

ب - سطح پایین بهره وری نیروی کار برای به دست آوردن بهره وری متوسط نیروی کار در یک جامعه، کفایت که تولید ملی آن جامعه را بر تعداد نیروی

کار شاغل در آن جامعه تقسیم کنیم. در این کشورها (در حال توسعه) برای تولید کم، نیروی کار زیادی مشغول به کار هستند و استفاده موثر از نهاده های تولید به عمل نمی آید.

عوامل موثر در بهره وری پایین کشورهای در حال توسعه عبارتست از نبود یا کمبود عوامل مکمل نیروی کار نظیر سرمایه، مدیریت، تکنولوژی و انگیزه نیروی کار همچنین سطح و وضعیت تغذیه و بهداشت پایین تر نیز موجب کاهش توان فیزیکی و فکری نیروی کار شده و بهره وری را کاهش می دهد.

ج - نرخ بالای رشد جمعیت

یکی دیگر از خصوصیات کشورهای در حال توسعه، نرخ بالای زادوولد در آنها می باشد که خود عامل اصلی نرخ بالای رشد جمعیت و بار تکفل است به طوری که نرخ رشد جمعیت به طور متوسط در کشورهای در حال توسعه بالای ۳ درصد ولی در کشورهای توسعه یافته ۱/۱ درصد است. به دلیل همین نرخ بالای رشد جمعیت، بیشتر جمعیت این کشورها را جوانان زیر ۲۰ سال تشکیل می دهند. و به همین دلیل بار تکفل خانواده ها که عبارتست از نسبت تعداد کل جمعیت غیرشاغل یک جامعه به تعداد جمعیت فعال و شاغل در آن جامعه، در کشورهای در حال توسعه بسیار بیش از کشورهای توسعه یافته است. ضمن آنکه بار تکفل بالا موجب کاهش درآمد سرانه و تشدید فقر در این جوامع شده است.

در حقیقت مهمترین مانع توسعه اقتصادی کشورهای در حال

توسعه فقر است. فقر باعث به وجود آمدن چرخه ای می شود که از

آن به عنوان دور باطل فقر یاد می شود این چرخه از اینجا ناشی

می شود که در کشورهای در حال توسعه بهره وری و کارایی کل به

دلیل کمبود و عدم کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار، عقب ماندگی

اقتصادی و توسعه نیافتگی اندک است.

د- نرخ بالای بیکاری

جمعیت فعال و جوان یکی از معیارها و فاکتورهای لازم برای توسعه به شمار می‌آید. اما در کشورهای در حال توسعه به دلیل کمبود سرمایه و نبود زمینه‌های مناسب اشتغال از این جمعیت فعال و جوان استفاده موثری به عمل نمی‌آید و در نتیجه جمعیت عظیمی از مردم و به ویژه قشر جوان بیکار می‌باشند. در اغلب کشورهای جهان سوم نرخ بیکاری آشکار بیش از ۱۵ درصد جمعیت فعال آنها را تشکیل می‌دهد که اگر نرخ کم کاری و بیکاری پنهان و فصلی را به آن اضافه کنیم نرخ بیکاری از مرز ۳۰ درصد نیز خواهد گذشت.

ه- وابستگی به صادرات یک محصول

ویژگی مشترک دیگر کشورهای در حال توسعه، وابستگی شدید آنها به صادرات یک محصول است که عمدتاً مواد اولیه معدنی و یا محصولات کشاورزی است به همین دلیل در پاره‌ای موارد کشورهای در حال توسعه را کشورهای تک محصولی نیز می‌نامند. البته در سالهای اخیر بعضی از کشورهای در حال توسعه از طریق صنعتی شدن موفق به تولید محصولات متنوع صنعتی نیز گردیده‌اند.

ی- دوگانگی اقتصادی - اجتماعی

از دیگر مشخصه‌های اکثر کشورهای در حال توسعه، بخش‌بندی کشورهای با نظام سرمایه‌داری دوگانگی ساختار اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی آنهاست به همین جهت گاهی این کشورها را به نام جوامع یا اقتصاد دوگانه نیز می‌نامند. منظور از جوامع یا اقتصاد دوگانه جوامعی هستند که نه تنها در بافت اقتصادی آنها بلکه در ساختار فرهنگی اجتماعی آنها نیز دوگانگی و عدم تجانس وجود دارد

و نمونه‌هایی از این دوگانگی را می‌توان به طور مثال در روشهای تولید مدرن در بخش بسیار کوچکی از اقتصاد و با روشهای

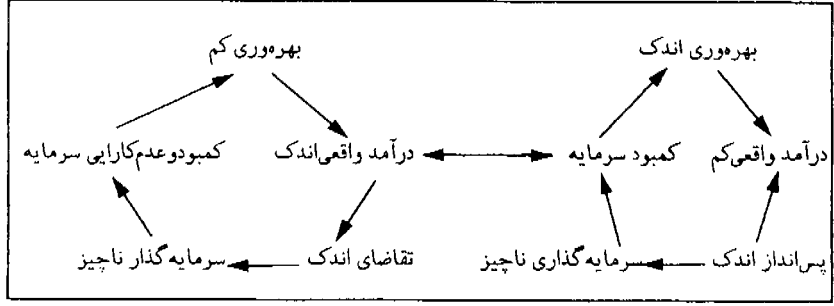
تولید سنتی در بخش بزرگی از اقتصاد، وجود طبقات ممتاز تحصیل کرده اما محدود در کنار توده فقیر و بی‌سواد و یا طرز فکر علمی و امروزی عده محدودی در کنار طرز تفکر غیرعلمی بسیاری از مردم، سازمانها و واحدهای تولیدی مدرن و امروزی در تعداد اندک در کنار بسیاری از سازمانها و واحدهای تولیدی قدیمی مشاهده کرد.

موانع توسعه اقتصادی

در اینجا لازمست علل و عواملی که باعث عدم توسعه اقتصادی کشورها می‌شوند را به اجمال برشمرده و آن‌گاه نقش تعاون را در مرتفع نمودن این موانع بیان نماییم:

الف- فقر و دوره‌های باطل فقر

در حقیقت مهمترین مانع توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه فقر است. فقر باعث به وجود آمدن چرخه‌ای می‌شود که از آن به عنوان دور باطل فقر یاد می‌شود این چرخه از آنجا ناشی می‌شود که در کشورهای در حال توسعه بهره‌وری و کارایی کل به دلیل کمبود و عدم کارایی سرمایه، ناکامل بودن بازار، عقب‌ماندگی اقتصادی و توسعه نیافتگی اندک است. بهره‌وری نازل در درآمد واقعی نازل نمود پیدا می‌کند، درآمد ناچیز به معنی پس‌انداز ناچیز است و از طرفی تقاضای کم و این نیز عرضه کم را موجب می‌شود، پس‌انداز ناچیز خود بهره‌وری کم را سبب می‌شود و این خود منجر به ایجاد درآمدهای واقعی کم و فقر و شروع مجدد دور تسلسل فقر می‌شود. چرخه باطل فقر به صورت زیر نمایش داده می‌شود.



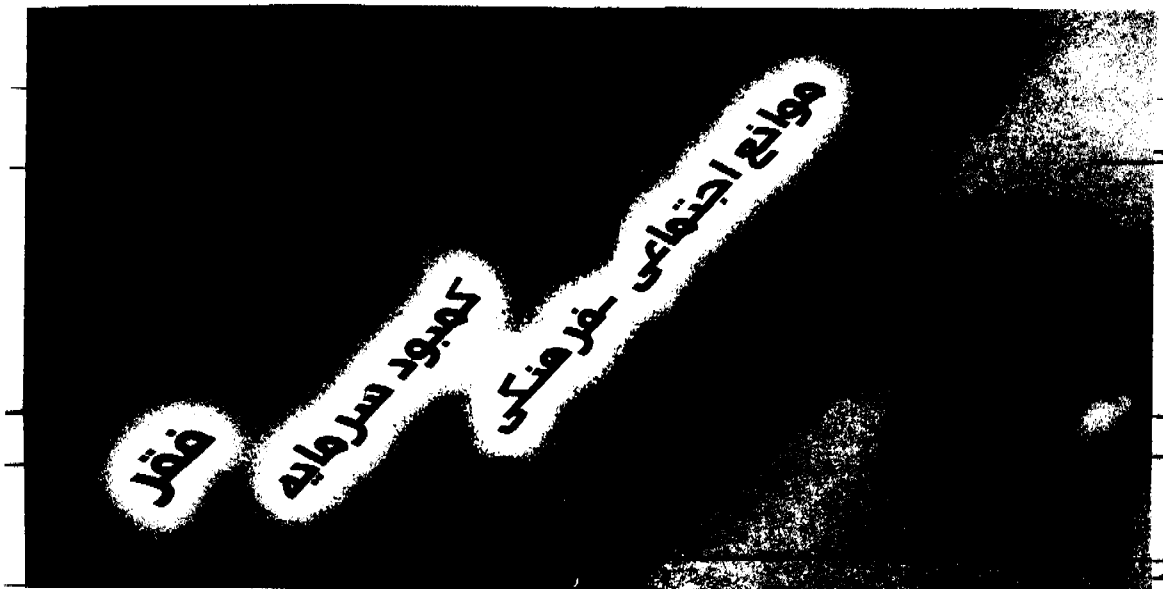
ب- کمبود سرمایه:

یکی از مهمترین موانع توسعه، کمبود سرمایه است. کمبود سرمایه نیز از دوره‌های باطل فقر نشأت می‌گیرد فقر هم علتی برای تمرکز ناچیز سرمایه و هم معلول آنست ذکر یک نکته در اینجا لازم است که سرمایه و ثروت با هم تفاوت دارند بسیاری از کشورهای در حال توسعه از نظر ثروت ملی نظیر نفت خام، معادن، جنگل، آب و به طور کلی اکثر فاکتورهایی که در رشد اقتصادی لازم و مهم می‌باشند، غنی هستند اما همچنان در فرایند رشد و توسعه اقتصادی با کمبود سرمایه مواجه می‌باشند. بنابراین به منابعی که در امر تولید بکار گرفته نشوند، ثروت و به منابعی که در امر تولید بکار گرفته شوند، سرمایه می‌گویند.

در کشورهای در حال توسعه بعلاوه بر این بودن تقسیم کار اجتماعی، نبود تکنولوژی پیشرفته و ارزان و نبود نیروهای متخصص و کارآمد شرایط چگونگی تبدیل ثروت به سرمایه به وجود نیامده است. از طرفی کمبود سرمایه در این کشورها به خاطر نبود فرهنگ پس‌انداز مناسب در طبقه متمکن آنان است به طوری که بیشتر درآمدهای قشر مرفه و متمکن صرف خرید کالای لوکس و مسصرفی و سفته‌بازی و رشوه‌خواری شده و عملاً از جریان تولید دور می‌گردد.

ج- موانع اجتماعی - فرهنگی

نورکس، اقتصاددان معروف می‌گوید: «توسعه اقتصادی تا حد زیادی نه تنها به فراوانی سرمایه بلکه به خصوصیات فردی، اجتماعی، شرایط تاریخی و خصوصیات فرهنگی کشورها بستگی دارد. سرمایه برای توسعه اقتصادی لازم است ولی کافی نیست. در کشورهای در حال توسعه شرایط فرهنگی و اجتماعی به نحوی سازمان یافته‌اند که امکان توسعه اجتماعی را تا حدی مشکل



با توجه به مطالب بالا اهمیت تعاون و نهادهایی از این دست برای حیات سیاسی کشورهای در حال توسعه در این است که از طریق شرکتهای تعاونی و اصول و عقاید خویش شرایطی را بوجود آورند که مردم این کشورها به تدریج و به طرز سیستماتیک جهت اداره و رهبری سیاسی و ایجاد حس مسؤولیت‌پذیری آماده و تربیت می‌شوند. بدین سان شرکتهای تعاونی زمینه‌های لازم را جهت شکل دادن به نوعی حکومت دموکراتیک مهیا می‌سازند و طبیعی است که نهضت تعاونی قادر است برای نیل به مقاصد اساسی دولت در زمینه آزادی و عدالت از طریق اصول و عقاید خویش شرایطی را بوجود می‌آورد که مردم این کشورها به تدریج و به طرز سیستماتیک جهت اداره و رهبری سیاسی و ایجاد حس مسؤولیت‌پذیری آماده و تربیت شوند و بدین سان شرکتهای تعاونی زمینه‌های لازم را جهت شکل دادن به نوعی حکومت دموکراسی مهیا می‌سازند ضمن آن که نهضت‌های تعاونی قادرند برای نیل به مقاصد اساسی دولت در زمینه آزادی و عدالت بالنسبه بهتر از هر نهضت دیگری عمل نمایند. زیرا تعاون آزادی فردی را با تمایل به زندگی جمعی ضمن تأمین حقوق مساوی تلفیق و هماهنگی لازم را در این زمینه به وجود می‌آورد.

تعاونیها می‌توانند از طریق آموزش و با توجه به اصل خودسازی که جز لاینفک اندیشه‌های تعاونی است به پرورش اراده اعضا همت گمارده و قدرت تصمیم‌گیری

نقش تعاون در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

اکنون که به طور اجمال تعاون و اهداف آن و مسائل مربوط به توسعه و موانع و مشکلات فرآروی پیشرفت و توسعه کشورها را شناختیم به بررسی نقش و اهمیت تعاون و نهادهای تعاونی در فرآیند توسعه جوامع و ابعاد مختلف آن می‌پردازیم:

نقش تعاون در توسعه سیاسی جوامع

بسیاری از کشورهای در حال توسعه که بعد از جنگ جهانی دوم به کسب استقلال سیاسی نائل گردیده‌اند به نوعی از یک سیستم سیاسی دموکراتیک و منطبق با نمونه‌های غربی تبعیت نموده‌اند. تجربه نشان داده است که نظام حکومتی دموکراتیک اقتباس شده از حکومت‌های غربی در جوامع در حال توسعه به لحاظ ساختار اجتماعی خاص و فقدان شرایط کافی و فراهم نبودن زمینه‌های لازم غالباً به صورت کوتاه مدت به حیات خویش ادامه می‌دهد و سپس جای خویش را به جنبشهای رادیکال و نهایتاً به حکومت‌های دیکتاتور و مستبدانه می‌دهد. قدرت سیاسی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه یا در دست طبقه خاصی از اجتماع است که خود را از توده مردم به میزان قابل توجهی مجزا نموده است و یا در اختیار رهبران عوامفریبی است که تنها در پی تحقق بخشیدن به اهداف خاص خویش می‌باشند و بنابراین عامه مردم بسختی ممکن است در تصمیم‌گیریهای سیاسی شرکت نمایند.

کرده‌اند و به دلیل ارجحیت طرزتفکر سنتی در جریان ارزشگذاری جامعه، آزادی فردی در اندیشیدن و تصمیم‌گیری بویژه در مورد مسائل اقتصادی مانند پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌گیرد. پول در این جوامع یا گنج می‌شود و یا صرف خرید طلا، جواهر، زمین، برپایی جشنهای عروسی و مراسم سوگواری می‌شود و از چرخه اقتصادی به دور می‌ماند. مدیران، برنامه‌ریزان و ماموران اجرایی و سیاستمداران اغلب از افراد و گروه‌های مشخصی بوده و لایق‌ترین و مستعدترین افراد جامعه نیستند و در نتیجه به عنوان مانعی در مقابل تشکیلات اداری سالم و نیز بنگاههای تولیدی بهره‌ور و کارا مقاومت می‌کنند این عمل سبب ترویج فساد، رشوه‌خواری، پارتی بازی تبعیض و عدم کارایی تشکیلات می‌شود و تشکیل نامنظم و غیرکارا توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد.

آموزش‌های صرف آکادمیک که افراد لازم برای اشتغال در بدنه دولت و سایر مشاغل اداری را تربیت می‌نماید و بر آموزش‌های فنی و عملی برتری دارند، فرهنگ مشارکت و کارگروهی در میان مردم این جوامع نهادینه نشده است. مردم از کار به عنوان امر ضروری معاش یاد می‌کنند نه به عنوان یک عمل مثبت برای پیشرفت جامعه و مصرف‌گرایی و شهرنشینی مایه افتخار و کشاورز و روستازاده بودن باعث شرمساری است.»

را در آنان تقویت نمایند.

برای استقرار نظامی دموکراتیک و مردمی در طبقات پایین یک جامعه، تعاون تا آن حد مناسب و برگزیده است که نهضت تعاونی با نظام دموکراتیک اصولاً مسیر واحدی را طی نمایند و این همبستگی و هم مسیری مبتنی بر تشابه و ارتباط نزدیک بین اصول تعاونی و اصول دموکراسی است. بنابراین اندیشه تعاونی از جمله نیروهایی است که پایه گذار سیستم‌های حکومتی دموکراتیک بوده و در واقع سرچشمه استقرار نظام تعاونی با نظام دموکراتیک یکی است و توجه به این واقعیت است که موجب شده امروزه در برخی کشورهای در حال توسعه سعی شود تا از طریق پیشبرد تقویت پیشبرد و تقویت نهضت تعاونی بلوغ سیاسی اعضا و در نتیجه عامه مردم افزایش یابد و وقایع سیاسی این کشورها را تحت تاثیر خود قرار دهد. نهضت تعاون موجب برقراری اتحاد و اتفاق بین نیروهای محافظه کار در طرز فکر و منش سنتی کشورهای در حال توسعه نهفته است و نیز عوامل و وسایل پیشرفت اقتصادی می‌گردد. بدیهی است که تعاون با دارا بودن چنین ویژگی‌هایی نه فقط در رشد و توسعه اقتصادی جوامع در حال توسعه موثر است، بلکه در شکل دادن به یک نظام دموکراتیک سیاسی و اقتصادی این ممالک نیز موثر خواهد بود و این تنها در صورتی میسر است که شرکت‌های تعاونی خود موسساتی آزاد بوده و تنها در حکم عوامل و سازمان‌های وابسته به دولت نباشند.

نقش تعاون در توسعه اجتماعی

بدون تردید شرکت‌های تعاونی در کشورهای در حال توسعه به دلیل اهمیتی که در این شرکت‌ها به فرد داده می‌شود و به ویژه به علت قابلیت و خصوصیات خاص خود که قادرند هم در اقتصاد و اجتماع مدرن و امروزی و هم در اقتصاد و اجتماع سنتی این کشورها رسوخ نمایند می‌توانند در توسعه اجتماعی این کشورها نقش مهمی ایفا نمایند. اهمیت شرکت‌های تعاونی در توسعه اجتماعی از ویژگی خاص تشکیلات تعاونی ناشی می‌شود که در آن افراد برای همکاری‌های متقابل و

ایجاد همبستگی یعنی جنبه‌های اجتماعی تعاون و هم برای رفتاری یاریگرانه و با صرفه یعنی جنبه‌های اقتصادی شرکت‌های تعاونی تربیت می‌شوند.

در این زمینه باید ابتدا به نقش تعاون در غلبه بر اثرات ناشی از گسستگی پیوندهای اجتماعی در جوامع روبه رشد اشاره نموده که بازتاب آن دسته از پدیده‌هاست که از رسوخ افکار جدید سرمایه‌داری - فردگرایی همراه با شیوه‌های اقتصادی تازه و ارزشها و روحیات نو در نظامات سرمایه‌داری قدیمی که بیش از هر چیز متکی بر طرز فکر و افکار و عقاید جمعی است، ناشی می‌شود. این گونه افکار و نظرات جدید موجب می‌گردد که نوعی از هم‌پاشیدگی اجتماعی در مبانی همبستگی سنتی و زندگی جمعی جوامع روستایی کشورهای در حال توسعه بدون آنکه این جوامع قادر به بهره‌گیری و استفاده از روشهای جدید اقتصادی و رعایت اصول سودآوری واحدهای تولیدی در سیاست توسعه اقتصادی خود باشند به وجود آید.

تجربه نشان داده است که رسوخ افکار جدید دو اثر متفاوت در جوامع روبه رشد بر جای گذاشته است که یکی اصولاً در طرز فکر و برداشت خاص جوامع مزبور از این موج نو است و دیگری در پیدایش گروه‌هایی است که دارای افکار و نظرات متفاوتی در این زمینه می‌باشد که می‌توان از آنان به عنوان دوگانگی اجتماعی نام برد. یعنی تفکیک جامعه به دو گروه یکی دسته‌ای کوچک و در عین حال متمتع و برخوردار که در شهرها سکونت دارند و دیگری توده مردم با رسوم و طرز فکری سنتی که اکثراً در روستاها و برخی نیز در شهرها مقیم هستند. گروه اول به لحاظ تبعیت از روشهای کسب و کار سرمایه‌داری غالباً مترصد دست‌اندرکار غارت و استثمار گروه دوم است و طبیعی است که خاتمه دادن به این دوئل از وظایف مهم و عمده سیاست‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه خواهد بود.

از هم‌پاشیدگی پیوندهای اجتماعی مخصوصاً هنگامی منجر به بروز عواقب و وخیم می‌گردد که افراد زندگی جمعی و

قبیله‌ای و روستایی خود را رها کرده و به امید دستیابی به کسب و کار و رفاه بهتر اقدام به مهاجرت به شهرها نمایند. بدون آنکه در شهرها امکانات شغلی مستمر و دائم برای آنان فراهم باشد. بدین سان در شهرها محله‌های فقیرنشین بوجود می‌آید که در آن افراد ارزشهای کهن و سنتی خسویش را از دست داده و پایندهای اجتماعی آنها ریشه کن می‌گردد. از طرفی دیگر پدیده مهاجرت مستقیماً موجب فقیرتر شدن روستاها شده و مبانی اقتصادی روستاها که علاوه بر کشاورزی بر حرفه‌ها و مشاغل سنتی نظیر صنایع دستی استوار است را نیز در معرض تهدید جدی قرار می‌دهند این امر بدو به طور پنهان و بعداً آشکار موجب پیدایش تضادهای اجتماعی شده و سرمنشأ فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌گردد.

بدیهی است که شرکت‌های تعاونی به طور کامل قادر به رفع عواقب ناشی از گسستگی پیوندهای اجتماعی نبوده ولی از طریق همکاری با سازمان‌های دولتی و در چارچوب برنامه‌های توسعه و نوسازی موجدانی را فراهم می‌کنند تا از اضمحلال و از هم‌پاشیدگی این پیوندها جلوگیری به عمل آید. همچنان که گفته شد یکی از انگیزه‌های اصلی مهاجرت، نبودن شغل مناسب در روستاها و امید برای کسب درآمد و شغل بهتر در شهرها است در این راستا با تاسیس شرکت‌های تعاونی کوچک و مولد برای کسب درآمد و شغل بهتر در شهرها است با تاسیس شرکت‌های تعاونی کوچک و مولد در روستاها ضمن ایجاد اشتغال و درآمد بهتر برای روستاییان از اثرات سوء اجتماعی پدیده مهاجرت به شهرها نیز جلوگیری به عمل می‌آید. علاوه بر این شرکت‌های تعاونی می‌توانند طرز فکر سنتی و در نتیجه رسوم و عادات قدیمی و ضد توسعه‌ای را از طریق دادن آموزش و اقدامات تربیتی در جهتی مثبت و سازنده تحت تاثیر قرار دهند و این عناصر را به نیروهای محرک جهت پیشبرد و تقویت برنامه‌های اقتصادی مبدل سازند و به این ترتیب قادرند از پیکار و گسست موجود بین نظام‌های کهن و نظام جدید اجتماعی تا حد زیادی بکاهند.